

نوزدهمین سالگرد انقلاب

هممیهنان،

نوزده سال پیش، در چنین روزی، ایرانیان به پیروزی بزرگی دست یافتند و، برای برچیدن بساط سلطه‌گری، زمان و زمین را به لرزه افکندند تا طرحی نو دراندازند. مردمی که از گستردگی تباهی و ستم به جان آمده بودند، از خرد و کلان، به‌رغم تفاوت در اندیشه‌ها و برداشت‌ها و شیوه‌های رزمی، یکدله شدند و پیمان آزادگی بستند و، با خیزشی خونین، انقلاب بیست و دوم بهمن یک‌هزار و سیصد و پنجاه و هفت را برپا داشتند.

این انقلاب با بهره‌وری از فرهنگ جوشیده از پیوند ایرانیگری و اسلام‌باوری چنان شور و امیدی در دل‌ها برانگیخت و چنان کارمایه‌ای با خود داشت که فرارسیدن دورانی از بهروزی و پیش‌روندگی را بشارت می‌داد.

هدف‌های بنیادین انقلاب استقلال ملی و آزادی‌های فردی و اجتماعی و عدالت همگانی بود که همه‌ی آزمون‌های تاریخی نشان می‌داد جز از راه سامانی مردم‌سالارانه، بدان‌ها نمی‌توان رسید؛ ولی با دریغ، هنوز نبض توفنده‌ی انقلاب در رگویی اجتماع می‌کوبید که خودجلوانداختگان با ترفند باورهای دینی مردم را به تنخواه‌گردان سیاسی بدل کردند و یکه‌تازی در شکلی تازه به کشور باز گردانده شد.

این انقلاب، به سبب سست‌عنصری زمامداران وقت و بی‌بهره بودن آنان از هر پایگاه مردمی، با تکاپوی انبوهی از گروه‌های اجتماعی گوناگون تا اندازه‌ای آسان پیروز شد و از سازمان فراگیر و رهبری جمعی برخوردار شد که در کوره‌ی درگیری‌ها گداخته و هماهنگ گردیده باشد برخوردار نبود و خلی زود مورد دستبرد قرار گرفت و به بیراهه افتاد؛ همبستگی همگانی فروپاشانده شد و خوشه‌چینی پیروزی مردم، که با رهنوشه‌ای از واپس‌گرایی به میدان آمدند، با کنار زدن دگراندیشان، جایگاه‌های قدرت را به انحصار خود درآوردند.

آنچه زیر نام «جمهوری اسلامی» با قانون اساسی قشریگرانه‌ای بر انقلاب بار گردید به هیچ وجه گنجایش دربرگیری آماج‌های والای آن را نداشت و با نیازهای ملی ایرانیان هم سازوار نبود. در عمل نیز، کسانی که بر اریکه‌ی زمامداری نشانده شدند هیچ تغییر ریشه‌داری در رابطه‌های اقتصادی و اجتماعی پدید نیاوردند و، با از پویایی انداختن فرهنگ ملی، فرصت‌های گران‌بهای همگرایی ایرانیان در درون و بیرون مرزهای قراردادی را بر باد دادند و آن انقلاب شکوهمند در یک جابه‌جایی مهره‌های ریز و درشت فرمانروایی خلاصه گردید.

به‌هنگام هشدار داده شد ارج انقلاب در توان سازندگی آن است و، اگر دگرگونی‌های کلی در همه‌ی زمینه‌های زندگی ملی فراهم ندارد، با گذشت روزگار، شورش کور تلقی خواهد گردید؛ ولی آنچه در گیرودار درهم‌شکستن جدول ارزش‌های انقلاب به گوش سنگین اشغال‌کنندگان کرسی‌های حکمروایی کشور فرونمی‌رفت ندهای حق‌طلبانه بود و، همواره، به جای پذیرش رهیافت‌های انسانی کارشناسانه، بر دامنه‌ی سرکوب مردم می‌افزودند و هر بانگ اعتراضی را با زندان و شکنجه و حتی کشتار خاموش می‌کردند.

نگاه کوتاهی به برآیند زشت‌کاری‌های زمامداران ناآگاه و ناتوان در نوزده سال گذشته به‌خوبی نشان می‌دهد که چه بر سر انقلاب آورده‌اند و چرا اکنون، در جای‌جای ایران بحران‌زده، از آن با افسوس یاد می‌گردد و دیگر بزرگداشت مردمی در میان نیست و تنها آذین‌بندی‌های پرزرق‌وبرق دولتی به چشم می‌خورد.

دورنمای چنین وضع ناستوده‌ای سبب شد تا حزب ملت ایران به عنوان یکی از سازمان‌های سیاسی پیشگام در انقلاب، بی‌هیچ چشم‌داشت به سراب فریبنده‌ی سرانجام کشمکش‌های درونی سردمداران جمهوری اسلامی، بازنگری در قانون اساسی کنونی را به‌نحوی که پایندان جدایی دین از دولت و برقراری مردم‌سالاری باشد پافشارانه خواستار گردد.

اکنون نیز حزب ما در این روز پراج همه‌ی زنان و مردان آرمان‌خواه را به کوششی خستگی‌ناپذیر برای زنده‌داشت «حاکمیت ملی» فرامی‌خواند تا، در پرتو آن، ایران‌زمین یکپارچگی و آزادی و آبادی را بازیابد.

دبیرخانه‌ی حزب ملت ایران